

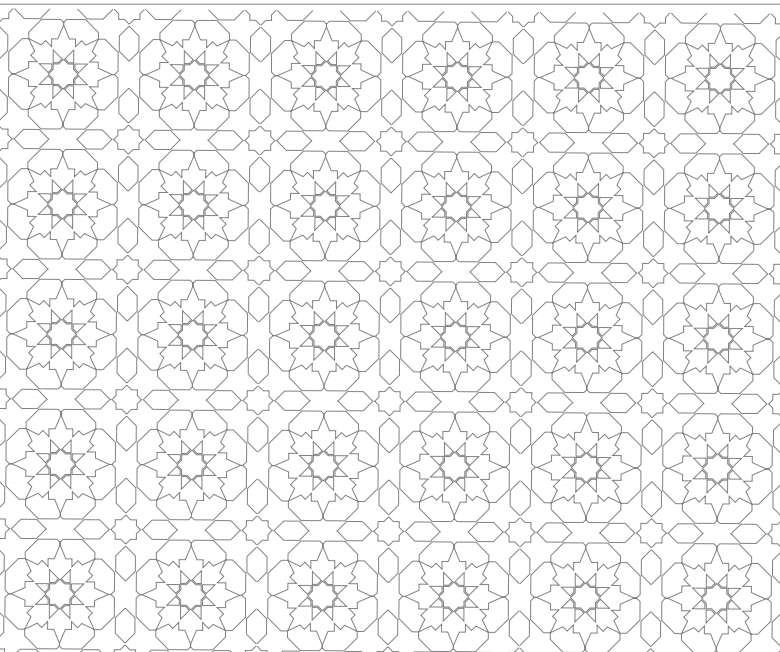
A photograph of a person playing an acoustic guitar and reading a book. In the foreground, a cup of coffee sits on a saucer on a wooden table. The image is framed by a decorative white border with floral patterns.

کلیسای خانگی

تت استیوارت

کلیسای خانگی

تت استیوارت





انتشارات جام
جهان ادبیات مسیحی

جهت تهیه این کتاب و یا دسترسی به سایر ادبیات مسیحی چاپ
انتشارات جام (جهان ادبیات مسیحی)، با رایانامه زیر به فارسی یا
انگلیسی تماس بگیرید

order@judeproject.org

سرشناسه: کلیسای خانگی

نویسنده: تت استیوارت

صفحه‌آرایی: انتشارات جهان ادبیات مسیحی (جام)

ناشر: انتشارات جام، زیرمجموعه جودپراجکت

چاپ: اول، ۲۰۲۱

شابک: ۹۷۸۱۹۴۱۶۹۳۴۴۵

حق چاپ این اثر برای انتشارات جام محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم گرفته شده است.

مقدمه/ ۷

بخش اول: خدمت کلیسای خانگی / ۱۱

بخش دوم: الگوهای کتاب مقدس برای ایجاد

کلیسای خانگی / ۲۲

بخش سوم: الگوهای کتاب مقدس برای ایجاد

کلیسای خانگی (دنباله) / ۳۱

بخش چهارم: اصول اساسی کتاب مقدس برای

کلیسای خانگی / ۴۰

بخش پنجم: اهمیت برقراری روابط / ۴۹

بخش ششم: رهبر کلیسای خانگی / ۵۸

بخش هفتم: مهارت‌های رهبر کلیسای خانگی / ۶۸

بخش هشتم: چرخه حیات در کلیسای خانگی / ۷۸

بخش نهم: حفظ اتحاد در کلیسای خانگی / ۸۷

مقدمه

وقتی به صفحات تاریخ نگاه می‌کنیم، می‌توانیم ببینیم که کلیسای عیسیای مسیح در طول قرون شکل‌های مختلف بسیاری به خودش گرفته است، چون مسیحیان مجبور بوده‌اند با انواع شرایط مختلف روبرو شوند. کلیسا زمانی در فضای باز و جنگل‌ها تشکیل شده و زمانی هم در ساختمان‌های عظیم کلیسا. در برخی مواقع، کلیسا هیچ ساختاری نداشت و یا دست‌کم از ساختاری حداقلی برخوردار بود؛ صرفاً ایمانداران دور هم جمع می‌شدند تا پرستش کنند و کلام خدا را با هم بخوانند. در زمان‌های دیگر کلیسا سازمانی با ساختار پیچیده و سلسله‌مراتبی از کشیشان و شبانان بوده است. در طول تاریخ مسیحیت در ایران نیز، در حالیکه روح‌القدس قوم خدا را هدایت کرده است، ما بسیاری از این اشکال را دیده‌ایم. اما امروزه، در نتیجهٔ عداوتی که با کلیسای مسیح در ایران وجود دارد، می‌بینیم

که کلیسای خانگی معمول‌ترین شیوهٔ ابراز وجود بدن مسیح است. به نظرم منصفانه است که بگوییم بسیاری از فارسی‌زبانانی که خارج از ایران زندگی می‌کنند نیز بیشتر به یک کلیسای خانگی تعلق دارند. بدین ترتیب، این سوال به وجود می‌آید که آیا عهد جدید دستورالعمل‌هایی در مورد نحوهٔ کارکرد یک کلیسای خانگی مسیح‌محور به ما می‌دهد؟ باور به اینکه خدا همهٔ آنچه برای بر خورداری از یک کلیسای خانگی سالم احتیاج داریم را به ما بخشیده است، باعث شد تا این کتابچهٔ کوچکی که در دست دارید را بنویسم.

وقتی این کتابچه را مطالعه می‌کنید، به کلیسای قرن اول بر می‌گردید و می‌آموزید که چه کارکردهای خاصی در یک گردهمایی کلیسای خانگی وجود داشت. با کلیساهای مختلف قرن اول آشنا می‌شوید. دربارهٔ چیزی خواهید آموخت که کتاب مقدس «زندگی بدن» می‌خواند (یعنی

اینکه چطور کلیسا شبکه‌ای از روابط است). دربارهٔ نحوهٔ راهبری کلیساهای خانگی خواهید آموخت و اینکه چه کسی صلاحیت راهبری دارد و از چه مهارت‌هایی باید برخوردار باشد. خواهید آموخت که چطور یک کلیسای خانگی را شروع کنید و همچنین چطور آن را بر مسیح متمرکز نگه دارید و به اعضای آن کمک کنید تا در بلوغ در مسیح رشد کنند. معمولاً کشمکش‌هایی بر سر مسائل مادی، راهبری، و آموزه‌ای پیش می‌آید که باعث جدایی و دشمنی می‌شود و لازم است بدانید که چطور صلح و آشتی را بین اعضا برقرار کنید. بسیاری چالش‌های دیگر هم وجود دارند که پدیدار خواهند شد، چون وقتی افراد به کلیسای خانگی می‌پیوندند، مشکلات‌شان را نیز همراه خود می‌آورند. به باور من، اگر در مورد داشتن یک کلیسای خانگی جدی هستید که در آن به خدا احترام گذاشته می‌شود، لازم است که این کتابچه را مطالعه کنید.

دعای من این است که خدا از شما برای قوت بخشیدن به کلیسای خانگی تان در راه خودش استفاده کند. شما باید بسیار دعا کنید، کلام خدا را بیاموزید، فروتن شوید و تعلیم‌پذیر باشید. باشد که خدا شما در راه خدمت به او و برادران و خواهران تان برکت بدهد.

کشیش تت استیوارت

می ۲۰۲۱

بخش اول

خدمت کلیسای خانگی

«همچنین به کلیسایی که در خانه آنها برپا می شود، درود برسانید» (رومیان ۱۶: ۵، هزاره نو).

کلیساهایی که در خانه‌ها تشکیل جلسه می‌دهند، و نه در ساختمان‌های کلیسایی، «کلیسای خانگی» نامیده می‌شوند و امروزه در سراسر جهان به سرعت رشد می‌کنند. در کشورهایی که کلیساهای تاریخی مرده به نظر می‌رسند و در قید و بند عبادت سنتی گرفتارند، کلیساهای خانگی همچون «مشک تازه» تحت هدایت روح‌القدس پا به عرصه وجود می‌گذارند. در کشورهایی نیز که مسیحیان تحت فشار قرار دارند و اجازه ندارند علناً تشکیل جلسه دهند، کلیسای خانگی به وجود می‌آید.

توجه خاص من به کلیسای خانگی در اثر ملاحظه این واقعیت شکل گرفت که می بینم خدا از این وسیله به شکلی گسترده تر در میان فارسی زبانان جهان استفاده می کند. این ملاحظه مرا بر آن داشت که تا آنجا که می توانم، درباره کلیسای خانگی در عهد جدید، مطلب بخوانم و مطالعه کنم تا بدانم که چگونه باید عمل کند. با ملاحظه این نهضت در میان فارسی زبانان، مشتاق شده ام تا راهبران کلیسای خانگی الگوی کتاب مقدس برای این نوع کلیساهای بهتر درک کنند و بدانند که خدا چه نوع عملکردی برای آنها در نظر دارد. هیچ شکی نیست که روح خدا در کلیساهای خانگی که مانند قارچ سر بر می آورند، در حال عمل است. اما همانگونه که می دانید، قارچ یک شبه نیز از میان می رود. بسیاری از این کلیساهای خانگی بر شالوده هایی استوارند که مطابق کتاب مقدس نیست و اغلب اوقات، فقط بر راهبری توانا متمرکز هستند. به همین جهت، به

مجرد اینکه مشکلی پیش می‌آید، کلیسا از هم می‌پاشد. خدا کلیسای خانگی را برای خدمتی خاص طرح‌ریزی کرده است تا برای قومش باعث برکت گردد. اما وقتی نوایمانان درک نمی‌کنند که خدا چه نوع عملکردی را برای آن در نظر گرفته، همین کلیساها تبدیل می‌شوند به منبع رنج، شکست در زندگی، و شهادتی شرم‌آور نزد خدانشناسان. این مجموعه جدید را با بررسی خدمت منحصر به فرد کلیسای خانگی بر اساس عهد جدید آغاز می‌کنیم.

مسیحیت اولیه و کلیسای خانگی

بدیهی‌ترین نقطه برای آغاز، درک این نکته است که کلیسا در قرن اول در کجا تشکیل جلسه می‌داد. در صفحات آغازین کتاب اعمال رسولان، بسیار روشن است که مسیحیان اولیه در صحن معبد گرد می‌آمدند: «ایشان هر روز، یک‌دل در معبد گرد می‌آمدند» (اعمال ۲: ۴۶)؛ اما در

دنباله همین آیه می‌خوانیم: «و در خانه‌های خود نان را پاره می‌کردند و با خوشی و صفای دل با هم خوراک می‌خوردند.» در آغاز، از خانه‌ها برای مشارکت مسیحیان با یکدیگر استفاده می‌شد و ایشان خوراک را با هم تقسیم می‌کردند و خدمتی متقابل تحقق می‌یافت. اما وقتی مخالفت با مسیحیان شروع شد، آنها مجبور شدند از تجمع در مکان‌های عمومی دوری گزینند و در خانه‌ها گرد آیند.

وقتی در فصل ۸ کتاب اعمال، با سولس آشنا می‌شویم، چنین می‌خوانیم: «اما سولس بی‌رحمانه بر کلیسا می‌تاخت و خانه به خانه گشته، زنان و مردان را بیرون می‌کشید و به زندان می‌افکند» (اعمال ۸: ۳). حتی خانه‌ها نیز در مقابل جفاهای سولس امنیت نداشتند. اما در مقایسه با سایر امکانات، خانه‌ها تبدیل شدند به امن‌ترین مکان برای تجمع ایمانداران. خانه تبدیل شد به بنیاد فعالیت‌های بشارتی برای

رسولانی که از شهری به شهری می‌رفتند تا خبر خوش انجیل را اعلام کنند. کلیساهای جدیدی که پا به عرصه وجود می‌گذاشتند، نتیجه جلسات خانگی بود. پولس خدمت خود را در تسالونیک، در خانه یاسون شروع کرد و خودش نیز احتمالا در آنجا مهمان بود.

محلی برای بشارت و شاگردسازی

پولس نه فقط از خانه‌ها برای خدمت بشارتی استفاده می‌کرد، بلکه خدمت شاگردسازی را نیز در همانجا انجام می‌داد. او به راهبران کلیسای افسس چنین می‌فرماید: «بلکه پیام را به شما موعظه کرده، چه در جمع و چه در خانه‌ها تعلیم داده‌ام» (اعمال ۲۰: ۲۰). در دوره‌ای که پولس رساله به رومیان را می‌نوشت، می‌خوانیم که در آنجا کلیساهای استقرار یافته‌ای وجود داشت که در خانه‌ها تشکیل جلسه می‌دادند. او درودهای خاصی می‌فرستد به کلیسایی که در خانه اکیلا

و پرسکلا تجمع می‌کرد (رومیان ۱۶: ۵). پس جای تردید نیست که کلیسای خانگی بخشی از نقشهٔ خداست.

محلی مناسب برای تحقق عملکردهای کلیسا

خانه مناسب‌ترین مکان بود تا کلیسای نوزاد به شکوفایی برسد، زیرا در خانه است که بسیاری از عملکردهای کلیسا می‌تواند به آسان‌ترین وجه به اجرا در آید. وقتی کلیساها از خانه به ساختمان‌های مخصوص انتقال یافت، برای مسیحیان دشوارتر شد که به رهنمودهای کتاب مقدس در خصوص حیات بدن امین بمانند. برای مثال، وقتی بخش‌های مختلف عهد جدید را می‌خوانیم، خیلی سریع کشف می‌کنیم که چه مسئولیت‌هایی نسبت به یکدیگر داریم، رهنمودهایی از این دست: «بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید» (غلاطیان ۶: ۲)؛ «به

گناهان خود نزد یکدیگر اعتراف کنید» (یعقوب ۵: ۱۶)، و «یکدیگر را نصیحت کنید» (کولسیان ۳: ۱۶)؛ اینها فقط زمانی می‌تواند تحقق یابد که طبق توصیه کتاب مقدس، کلیسا مکانی باشد تا ایمانداران بتوانند صمیمانه در زندگی و رشد روحانی یکدیگر سهیم شوند. این نوع از خدمت متقابل به احتمال بیشتر در کلیسای خانگی تحقق می‌یابد، یعنی در جایی که افراد به طور مرتب گرد آیند و با یکدیگر مشارکت داشته باشند.

کلیسا هیچگاه برای این طرح‌ریزی نشده بود که مکانی باشد تا تنها چند تن از اعضا عطایای روحانی خود را به عمل در آورند و دیگران فقط تماشا کنند. به توضیح پولس در خصوص کلیسایی که در حال عمل است، توجه کنید: «هنگامی که گرد هم می‌آیید، هر کس سرودی، تعلیمی، مکاشفهای، زبانی و یا ترجمه‌ای دارد. اینها همه باید برای بنای کلیسا به کار رود» (اول

قرن‌تین ۱۴: ۲۶). احتمالاً نمی‌توان تصور کرد که این رهنمود را بتوان در جلسات بزرگ و عمومی پیاده کرد، بلکه در جلسه خانگی اعضا می‌توانند یکدیگر را تشویق کنند که در عبادت سهیم شوند. به همین جهت است که کلیسای خانگی می‌تواند مکانی عالی برای تربیت نوایمانان باشد. احتمال بیشتری هست که نوایمانان عطایای روحانی و خدمت خود در بدن مسیح را در چارچوب کلیسای خانگی یا جلسات کوچک کشف کنند. آنها خواهند آموخت که با شور و حرارت در جمع دعا کنند و بتوانند کلام خدا را به درستی تعبیر کنند.

محل مناسب برای شکوفایی عطا یا

کلیسای خانگی بهترین محل برای کشف آنانی است که صاحب عطای راهبری هستند. راهبران، راهبر به دنیا نمی‌آیند، بلکه در جریان حیات روزمره کلیسا کشف می‌شوند. در گردهمایی‌های

کوچک خیلی سریع روشن می‌شود که کدام عضو وقت‌شناس است و با آمادگی در جلسه حضور پیدا می‌کند، و اینکه کدام عضو بیشتر به فکر رشد روحانی دیگران است تا به فکر مشکلات خود. در کلیسای خانگی می‌توان این راهبران غنچه‌وار را آزمایش کرد، به این ترتیب که به آنان مسئولیت‌های کوچک سپرد و دید که چگونه عمل می‌کنند. بسیار مخاطره‌آمیز است که از نوایمانی خواسته شود تا جلسه‌ای بزرگ و عمومی را راهبری کند؛ اما خطر کمتری دارد که از او خواسته شود تا برنامه دعا را در جلسه‌ای خانگی هدایت کند. در کلیساهای بزرگ اغلب بار سنگین خدمات فقط بر دوش چند نفر است و بسیاری از ایمانداران سرخورده می‌شوند، زیرا نمی‌توانند عطایای خود را در خدمت به کار گیرند. این واقعیتی پذیرفته شده است که ایماندارانی که در خدمت دخالت داده نمی‌شوند، اغلب باعث بروز مشکلاتی در خدمت می‌شوند. در کلیسای

خانگی هر کس می‌تواند به سرعت جای خاصی برای خدمت پیدا کند. در بخش‌های بعدی این مجموعه به بررسی این خدمات خواهیم پرداخت.

«مشک‌های» گوناگون

و سرانجام، اینگونه به نظر می‌رسد که خدا کلیسایش را طوری طرح‌ریزی کرده تا بتواند با «مشک‌های» گوناگون یا اشکال مختلف سازگار شود. گاه روح‌القدس اشکالی به وجود می‌آورد که با فرهنگ یا شرایط سیاسی خاصی سازگاری دارد. تاریخ کلیسا نشان می‌دهد که کلیساهای خانگی اغلب اوقات وسیله‌ای بوده‌اند در دست خدا برای ایجاد بیداری روحانی. وقتی کلیسای نهادینه مرده به نظر می‌رسد، اغلب مشاهده می‌کنیم که نهضتی پدید می‌آید و افراد در خانه‌ها گرد می‌آیند تا خدا و مسح او را جستجو کنند. همچنین وقتی کلیسا تحت آزار و جفا است، روح‌القدس ایمانداران را هدایت می‌کند

تا در خانه‌ها جمع شوند. در چین دیده‌ایم که چگونه کلیساهای خانگی در سراسر این کشور اشاعه یافته‌اند و تبدیل به پناهگاه امنی شده‌اند در برابر طوفان‌هایی که بر ضد خداوند عیسیای مسیح و گله‌اش به پا خاسته‌اند.

بخش دوم

الگوهای کتاب مقدس برای ایجاد

کلیسای خانگی

کلیساهای خانگی تبدیل شده‌اند به بخشی حیاتی از حیات کلیسا، اما بسیاری از آنانی که تنگاتنگ درگیر این خدمتند، از تعلیم کتاب مقدس دربارهٔ ایجاد آن بی‌اطلاع هستند. به هنگام تحقیق دربارهٔ این موضوع، پی بردم که در طول پنجاه سال اخیر، بیش از یک صد کتاب در این زمینه به نگارش در آمده است. این امر سبب شد که به کتاب اعمال رسولان مراجعه کنم تا الگوی اولیهٔ الهی را برای ایجاد کلیساهای خانگی پیدا کنم. من متقاعد شده‌ام که چنانچه بخواهیم کلیساهای خانگی ما شکوفا شوند و ثمرات ابدی به بار بیاورند، باید طرح اولیهٔ خدا را کشف کنیم. امیدوارم مسئولان نهضت کلیسای خانگی

مطالعه‌ای جدی در زمینه‌ الگوهای کتاب مقدس به عمل آورند و آموخته‌های خود را در جهت تحکیم کلیساهای خانگی که مسئولیت آن را بر عهده دارند، به کار برند.

مطالعات من در خصوص کتاب اعمال مرا به این درک رساند که به منظور ایجاد کلیساهای خانگی چهار الگو وجود دارد. هر الگو در شهر خاصی آغاز شد؛ همین پدیده بیانگر این حقیقت است که روح القدس برای پیشبرد کار خدا، به شکلی خلاق از «مشک‌ها» یا روش‌های متفاوتی استفاده می‌کرد. همیشه باید این نکته را در نظر داشته باشیم که نیازی نیست روش‌های خدمت را از محلی به محلی دیگر منتقل کنیم، بلکه باید به روح القدس چشم بدوزیم تا ما را تعلیم دهد که برای شرایط خاص محل خدمت خود، کدام الگو مناسب‌تر است.

الگوی اورشلیم

نخستین کلیسایی که در کتاب اعمال رسولان به وجود آمد، کلیسای اورشلیم بود که به دست خود رسولان بنیان گذاشته شد. این کلیسا ثمرهٔ موعظهٔ پطرس رسول بود (اعمال ۲: ۱۴-۴۱). این کلیسایی بود بسیار حیاتی تا اینکه به دنبال سنگسار شدن استیفان، آزارهایی سخت روند رشد آن را تغییر داد که شرح آن در فصل هشتم کتاب اعمال آمده است. نتیجهٔ این امر آن بود که «جز رسولان، همه به نواحی یهودیه و سامره پراکنده شدند» (اعمال ۸: ۱). تصادفی نیست که خدا کلیسا را از اورشلیم متفرق ساخت تا «ماموریت بزرگ» را که کلیسا تا این زمان نادیده گرفته بود، تحقق بخشد. لذا من متقاعد شده‌ام که ایجاد کلیساهای خانگی عملی است که به هنگام بروز آزار و ستم، تحت هدایت روح القدس و با قوت او صورت می‌پذیرد. در آغاز امر، ایمانداران بالغ که زیر دست رسولان شاگردسازی شده

بودند، در سراسر فلسطین پراکنده شدند و در آن مناطق کلیساهای جدیدی را بنیان گذاشتند. این اصل مهمی است زیرا این کلیساهای خانگی بر پایه‌الگوی اورشلیم بنا شده بودند، چرا که هرگاه ایمانداران کلیسایی نهادینه را ترک می‌کنند، درک خود را از ایمان مسیحی و نیز روش‌های عمل به آن را هم با خود به کلیساهای جدید منتقل می‌سازند. آنها «مشک‌های» خود را با خود می‌برند. این نکته می‌تواند برای کلیساهای خانگی در روزگار ما بسیار مفید باشد، زیرا امروزه ایماندارانی بالغ وجود دارند که می‌توانند این خدمت را پیش ببرند. در ضمن، این کلیساهای می‌توانند تحت نظر کلیسای مادر رشد کنند. روشن است که رسولان بر این کلیساهای نوزاد، نظارتی شبانی داشتند. نمونه‌ای از این امر را در رساله‌ی یعقوب، شبان کلیسای اورشلیم مشاهده می‌کنیم که خطاب به دسته‌های پراکنده‌ی یهودی در میان ملت‌ها نوشته شده است. نکته‌ی دیگر

این است که شواهد اندکی وجود دارد که نشان بدهند رسولان می‌کوشیدند این کلیساهای را از طریق نوعی سلسله مراتب کنترل کنند. راهبری ایشان بیشتر ناشی از احترامی شبانی و اقتداری بود که به ایشان در مقام رسول داده شده بود، نه ناشی از تمرکز قدرت در دست ایشان.

از این الگو می‌آموزیم که هرگاه کلیساهای خانگی به دست ایماندارانی بالغ متعلق به کلیساهای سالم بنیان گذاشته شوند، فواید بسیاری حاصل می‌گردد. یکی از این فواید، تجربه و بلوغی است که چنین ایماندارانی به همراه می‌آورند. ایشان در ضمن، از شبانانی برخوردار هستند که می‌توانند از آنان کمک و دلگرمی دریافت کنند. اما اشکال در این است که چنین ایماندارانی گرایش دارند همان اشتباهات کلیسای مادر را تکرار کنند و روش‌های قدیمی را با خود به همراه بیاورند. این امر ممکن است سبب شود که خود را با فرهنگ جدیدی که در آن خدمت می‌کنند انطباق ندهند

و به این ترتیب، از سایر ایمانداران فاصله بگیرند. اما در مجموع، این الگویی است آزموده شده که خدا به هنگام آغاز کلیسایش به کار برد و هنوز نیز کارایی بسیار دارد.

الگوی انطاکیه

الگوی بعدی برای ایجاد کلیسای خانگی، در کتاب اعمال ۱۳: ۱ تا ۳۸: ۲۰ یافت می‌شود. پولس رسول و همکارانش، از انطاکیه (سوریه) فرستاده شدند تا کلیساهایی در غلاطیه، آسیای صغیر، و یونان تاسیس کنند. آنچه که معمولا «سفرهای بشارتی پولس» خوانده می‌شود، در واقع بیشتر ماموریت برای ایجاد کلیسا بود. برخی از متفکران، این را «بذرپاشی تازه» می‌نامند، زیرا وقتی رسولان به شهرهای جدید سفر و پیام انجیل را اعلام می‌کردند، عده‌ی جدیدی ایمان می‌آوردند؛ آنگاه رسولان چند ماه در آنجا می‌ماندند تا ایشان را شاگردسازی کنند. این الگو

را در شهر قرنتس می‌بینیم که پولس دو سال در آنجا ماند و نوایمانان را تعلیم می‌داد و تربیت می‌کرد. اصلی که در این الگو رعایت می‌شود، این است که بنیادی نیکو بر اساس حقایق مسیحیت گذاشته می‌شود و نوایمانان تعلیم می‌یابند که چگونه وابسته به مسیح باشند. با مطالعهٔ اول قرنتیان ۳: ۱۰-۱۵ به عمق هدف پولس پی می‌بریم؛ هدف او این نبود که اقتدار و اعتبار خود را تثبیت کند، بلکه می‌کوشد بنیادی بنا نهد بر پایهٔ شخص و کار عیسای مسیح. شاید از این واقعیت تعجب کنیم که پولس بارها و بارها، ظاهراً کلیسا را ترک می‌کرد و آنها را به دست راهنمایی خداترس می‌سپرد و گاه تا سال‌ها به آن کلیسا سرکشی نمی‌کرد. عقابِ مادر جوجه‌های خود را به بیرون از آشیانه هل می‌دهد تا پرواز کردن بدون او را بیاموزند؛ اما آنها را از دور تحت نظر دارد تا چنانچه لازم باشد، به کمک‌شان بشتابد. پولس نیز همین کار را می‌کرد. او تماس خود را

با کلیساهای حفظ می‌کرد. رسالاتی که عهد جدید را تشکیل می‌دهند، گواه بر این واقعیت هستند. پولس عمیقا معتقد بود هرگاه بنیادی مناسب گذاشته شود، خدا کلیسا را هدایت خواهد کرد. او به مسیحیان فیلیپی می‌نویسد: «یقین دارم آن که کاری نیکو در شما آغاز کرد، آن را تا روز عیسای مسیح به کمال خواهد رسانید» (۱: ۶). او ایمان داشت که قدرت بذر انجیل رشد کرده، تبدیل به کلیساهای خانگی سالم خواهد شد. او رهبران مورد نظر خودش را منصوب نمی‌کرد و نمی‌کوشید کلیساهایی را که آغاز کرده بود، کنترل کند. در فصل اول رساله اول قرنتیان، مشاهده می‌کنیم که با وجود این واقعیت که کلیسای قرنتس را پولس بنیان گذاشته بود، رهبران این کلیسا با هم سازش نداشتند. او نمی‌کوشید در مقام بنیانگذار این کلیسا آن را کنترل کند، بلکه سعی می‌کرد آن را تحت اقتدار مسیح و تعلیمات او در آورد.

آنچه که از این الگو می‌توان آموخت، شخصیت و خصائل شخصی است که کلیسا را آغاز می‌کند. او باید فردی باشد با بلوغ روحانی، و تعالیم بنیادین مسیح را بداند، چرا که او در نهایت، کارندهٔ بذر در میان بی‌ایمانان است. او باید مرد خدا باشد و اشتیاقش این باشد که ملکوت خدا گسترش و نجات‌دهنده‌اش جلال یابد. خادمی که از چنین خصوصاتی برخوردار باشد، زندگی خود را صرف تربیت دیگران خواهد کرد، نه تحکیم موقعیت خود. او خود را کنار می‌کشد تا دیگران بتوانند راهبری را به دست بگیرند، اما آماده است تا مشورت‌های لازم را ارائه بدهد. این نوع روش در ایجاد کلیسا، شبکه‌ای از کلیساهای خانگی پدید خواهد آورد که وابسته به «سوپر-شبانان» نیستند، بلکه به شبان نیکویی که از گله‌اش به خوبی مراقبت می‌کند و راهبران جدیدی را برای هر کلیسا آماده می‌سازد.

بخش سوم

الگوهای کتاب مقدس برای ایجاد کلیسای خانگی (دنباله)

به هنگام نوشتن این مجموعه خاص، پی بردم که بسیاری از کسانی که در کلیساهای خانگی خدمت می‌کنند، و حتی راهبرانی برای این کلیساها تربیت می‌کنند، وقت زیادی صرف مطالعه الگوهای کتاب مقدس برای این نوع کلیساها در عهد جدید نکرده‌اند. برخی نیز حتی از این ناآگاهی خود دفاع کرده، می‌گویند که این روش دیگر برای قرن بیست و یکم معتبر نیست. اما اکنون که شما را با الگوهای کلیسای خانگی در عهد جدید آشنا می‌کنم، عمیقاً متقاعدم که کتاب مقدس رهنمودهای لازم را برای دریافت

برکات الاهی در اختیار ما قرار می‌دهد. خدمت ممکن است بر حکمت دنیوی استوار باشد و شاید هم برای مدتی موفقیت‌آمیز به نظر برسد، اما در بلندمدت، آن خانه‌هایی که بر شن بنا شده‌اند، در اثر طوفان فرو خواهند ریخت؛ اما خانه‌هایی که بر صخرهٔ حقایق الاهی بنا شده‌اند، استوار خواهند ایستاد.

در فصل گذشته، بررسی خود را در زمینهٔ روش‌های گوناگون تاسیس کلیساهای خانگی در عهد جدید آغاز کردیم و به کلیساهای اورشلیم و انطاکیه پرداختیم. اینک به بررسی الگوهای دیگر خواهیم پرداخت.

الگوی افسس

پولس رسول در واپسین سال‌های خدمت خود، به افسس سفر کرد. او تا پیش از این، هفت کلیسا را در دوره‌ای بالغ بر هفت سال تاسیس کرده بود. او اکنون در این زمینه بسیار با تجربه

شده بود، و آنچه در افسس انجام داد، با آنچه در شهرهای دیگر انجام داده بود، کاملا تفاوت داشت: او مرکزی برای آموزش احداث کرد که در آن می‌توانست افرادی را تربیت کند تا پیام انجیل را به شهرهای دیگر ببرند و کلیسا دایر کنند. او محلی به نام «مدرسهٔ طیرانس» را برای برگزاری جلسات خود اجاره کرد و طی مدت دو سال به آموزش پرداخت و افرادی را نظیر تیتوس، تیموتائوس و غایس تربیت کرد. یکی از دانشجویان پولس در این مدرسه، شخصی به نام اپفراس بود که گویا در افسس توسط پولس به سوی مسیح هدایت شد. اپفراس با آموزشی که دیده بود، کلیساهایی در کولسی (کولسیان (۷: ۱)، لائودیکیه و هیراپولیس (کولسیان ۴: ۱۲-۱۳) تاسیس کرد. پولس در مجموع شخصا هشت نفر را آموزش داد که به بنیانگذاران موفق کلیسا تبدیل شدند. از این روش پولس برای تاسیس کلیسا چه درس‌هایی می‌توان آموخت؟

* پولس دو سال بر زندگی هشت نفر سرمایه‌گذاری، و ایشان را در خداترسی فردی، اصول اعتقادات و روش‌های خدمت تربیت کرد. پولس با این اصل آشنا بود که باید «چیزی را تعلیم دهیم که می‌دانیم، اما چیزی را تولید می‌کنیم که هستیم!» او مشتاق بود که کلیساهای خانگی از راهبرانی بالغ برخوردار باشند.

* خدمت پولس از نظر مالی متکی به خودش بود؛ او برای تامین هزینه‌های خود به جایی وابسته نبود. وقتی افسس را ترک می‌کرد، چنین اظهار داشت: «خود می‌دانید که همین دست‌ها در رفع احتیاج خود و رفقایم خدمت می‌کرد» (اعمال ۲۰: ۳۴). خدمت کلیسای خانگی زمانی بیشترین موفقیت را به دست می‌آورد که از بیرون مورد حمایت مالی قرار نگیرد، بلکه برای تامین نیازهای خود و اعضای گروه، راه‌های دیگری بیابد.

سرمایه‌گذاری پولس برای دیگران به گونه‌ای

شگفت‌انگیز برای پیشرفت انجیل در قرن اول سودمند واقع شد. دکتر اف. اف. بروس، محقق برجستهٔ عهد جدید، معتقد است که شاگردان پولس، علی‌الخصوص اپفراس بودند که در ایالت آسیا (ناحیهٔ غربی ترکیهٔ امروز) بشارت داده‌اند؛ او می‌نویسد: «شاید آن هفت کلیسا در آسیا که در کتاب مکاشفه یوحنا ذکر شده‌اند، همگی در همین زمان بنیان گذاشته شده باشند.»

الگوی روم

کلیسای روم آن کلیسایی بود که پولس آرزو داشت از آن دیدار کند و به همین کلیسا بود که مهم‌ترین اثر الاهیاتی خود را نوشت. همیشه برای محققین سوال بوده که چگونه پولس این تعداد زیاد از اعضای کلیسای روم را مشخص می‌شناخت. این نکته را از نام‌هایی که در فصل ۱۶ رساله به رومیان ذکر شده، مشاهده می‌کنیم. پاسخ این سوال را در چهارمین الگوی تاسیس

کلیسا در عهد جدید می‌یابیم. در آن حال که کلیسای اورشلیم گروه‌هایی از اعضای خود را به شهرهای دیگر می‌فرستاد تا حیات کلیسایی را در آنها مستقر کنند، کلیسای روم متشکل از افرادی بود که از کلیساهای متفاوت بسیاری گرد آمده بودند تا کلیسایی جدید به وجود بیاورند. در اینجا روش خلاق دیگری را مشاهده می‌کنیم؛ به این ترتیب که روح‌القدس ایماندارانی را از کلیساهای مختلف گرد آورد تا کلیسایی جدید به وجود بیاورد؛ این ایمانداران می‌توانستند از این راه، در محلی جدید با یکدیگر برای جلال خدا همکاری کنند. در فصل ۱۶ رساله به رومیان، می‌بینیم که پولس به بیش از بیست و شش نفر که شخصا می‌شناخت سلام می‌رساند. این افراد همگی از کلیساهایی آمده بودند که او خودش تاسیس کرده بود. طبق پاره‌ای شواهد، پولس این افراد را از کلیساهای مختلف به روم فرستاده بود، با این هدف مشخص که کلیسای جدیدی تاسیس

کنند، زیرا این افراد عملاً در طول سه سال پیش از نگارش این رساله، به روم رسیده بودند. پولس، هم مسیحیان یهودی‌نژاد و هم غیر یهودی را به روم فرستاده بود تا کلیسایی میان‌فرهنگی تشکیل دهد. به این ترتیب، آنها می‌توانستند به مردم چند ملیتی این شهر بشارت دهند. سپس رساله‌ای نیز به ایشان نوشت تا تشویق‌شان کند که حقیقت را با قوت روح‌القدس تعلیم دهند. به این طریق، او نوایمانان را آماده می‌ساخت تا همان احترامی را برای رسالت او قائل شوند که دوستانش قائل بودند.

از این الگو درس‌های زیر را برای کلیساهای خانگی خود در این زمان می‌آموزیم.

* آماده‌ی دریافت هدایت خلاق روح‌القدس باشید. با مطالعه‌ی دقیق کتاب اعمال رسولان، پی‌می‌بریم که این کتاب در واقع شرح اعمال روح‌القدس است، نه رسولان. رسالت ایشان در تاسیس کلیساهای در واقع نتیجه‌ی هدایت مستقیم

روح القدس بود. نمونه‌ای از این امر را در دعوت پولس به مقدونیه مشاهده می‌کنیم (اعمال ۱۶: ۹-۱۰). ایشان می‌دانستند که این روح القدس است که جامعه‌ای راستین تشکیل می‌دهد و ایشان را قوت می‌بخشد تا به شباهت مسیح زندگی کنند.

* بکوشید گروه‌هایی برای خدمت تشکیل دهید. خداوند عیسی شاگردان خود را در گروه‌های دو نفری می‌فرستاد (مرقس ۶: ۷). پطرس و یوحنا در کنار یکدیگر خدمت می‌کردند (اعمال ۳: ۱) و پولس و برنابا نیز در امر خدمت با یکدیگر همکار بودند (اعمال ۱۳-۱۵). برای تشکیل چنین گروه‌هایی، باید دعا کنید و افراد را برای امر راهبری تربیت کنید.

* به کسانی که شما را فرستاده‌اند، پاسخگو بمانید. بنیانگذاران کلیسای اولیه به آنانی که ایشان را می‌فرستادند و مورد حمایت قرار می‌دادند، پاسخگو باقی می‌ماندند. پولس به

انطاکیه باز می‌گشت تا گزارش دهد؛ پطرس نیز همین کار را با کلیسای اورشلیم انجام می‌داد.

* بیاموزید که برای خدمت خود در کلیسای خانگی، خط مشی‌های مناسب اتخاذ کنید. پولس متقاعد بود که باید توجه خود را بر مناطق شهری متمرکز سازد، چون معتقد بود که هر جا تعداد مردم زیاد باشد، پیام انجیل به شکل خودجوش اشاعه می‌یابد. کلیساهای خانگی جدید در شهرهای جدید معمولاً موثرترین وسیله برای گسترش پیام انجیل هستند.

بخش چهارم

اصول اساسی کتاب مقدس برای کلیسای خانگی

کلیسای خانگی طبیعی‌ترین راه برای گسترش و رشد مسیحیت در طول دوره‌ها بوده است. در قرن اول، اگر نشانی کلیسایی را می‌خواستید، نشانی یک خانه را به شما می‌دادند. امروزه شاهدیم که تعداد کلیساهای خانگی به علت انعطاف‌پذیری آنها به سرعت در حال افزایش است؛ مردم در جوی غیر رسمی، در خانه‌ای جمع می‌شوند و عامل اصلی که آنها را کنار یکدیگر نگه می‌دارد، رابطه بین آنهاست نه ساختمان محل تجمع. آنها با مشکل هزینه‌های مالی روبرو نبوده، به راحتی می‌توانند در محیط‌های مختلف قرار گیرند. مانند آب می‌توانند در هر ظرفی جاری شوند و بدینگونه خود را با محیط‌های گوناگون

وفق دهند و حیات، انرژی و زنده‌دلی مسیح را به ارمغان آورند.

اکثر اوقات این کلیساها بهترین مکان برای غیرایمانداران هستند تا در محیطی امن و بدون مخاطره با مسیح آشنا شوند. همچنین محیطی بسیار طبیعی برای نوایمانان است تا آموزش لازم برای شناخت خدا را در آنجا دریافت کنند. برای تاسیس این کلیساها نیازی به رهبران دوره‌دیده در سطوح بالا نیست، بلکه رهبران کلیسای خانگی که خود آموزش گرفته و می‌خواهند تحت قدرت کلام خدا و هدایت روح‌القدس، به رهبرانی شایسته تبدیل شوند، رهبری این کلیساها را به عهده می‌گیرند.

اما درست همان خصوصیتی که قوت کلیسای خانگی محسوب می‌شود، می‌تواند باعث سقوط آن گردد. چرا که بسیاری از کسانی که این کلیساها را هدایت می‌کنند از رهنمودهای کتاب‌مقدس برای شکوفا شدن کلیسای

عیسای مسیح و آشکار شدن پادشاهی خداوند، هیچگونه آگاهی ندارند. رهبران جدید بیشتر تمایل به تکرار عملکردهای موجود دارند تا توصیف و اجرای حقیقتی که در خبر خوش آمده است. با در نظر داشتن این مطلب، بیایید نگاهی عمیق‌تر بیفکنیم به آن اصول اساسی که یک کلیسای خانگی مبتنی بر کتاب مقدس، باید بر آنها بنا شود تا در برابر طوفان‌های اجتناب‌ناپذیر استوار بماند.

مسیح، سر کلیسا

اجازه دهید مسیح به عنوان سر کلیسای خانگی حکم‌فرمایی کند: «و او بدن یعنی کلیسا را سر است» (کولسیان ۱: ۱۸). کلیسای خانگی فرا خوانده شده تا تحت فرماندهی مسیح گرد هم آید، نه بر اساس جذبۀ روحانی فردی که رهبری را به عهده گرفته است. پولس در افسسیان از کلیسایی سخن می‌گوید که در اثر امواج تعالیم

مردمانی حيله‌اندیش و مکار به عقب و جلو رانده می‌شدند. آنها با راه‌های فریب‌آمیز خود، مشارکتی از اطفال به وجود آورده بودند. «بلکه در محبت پیروی راستی نموده، در هر چیزی ترقی‌نماییم در او که سر است، یعنی مسیح» (افسیان ۴: ۱۵). من قطعاً باور ندارم که اکثر رهبران کلیسای خانگی عمداً بخواهند باعث گمراهی گله‌های‌شان شوند، اما زمانی که مسیح به عنوان سر بدن شناخته نشود، ناخودآگاه این اتفاق خواهد افتاد. با دیدن کار خدا در زندگی دیگران، به راحتی می‌توان تحت تسخیر هیجان آن قرار گرفت و آمدن افراد به سوی مسیح را به حساب رهبری خود گذاشت. موفقیت در خدمت باعث سرخوشی می‌شود؛ بنابراین لازم است که تمرکز کلیسای خانگی، به طریقی که اقتدار و فرمانروایی مسیح را عزت بخشد، در زیر آمده است:

* پیشاپیش، برای تمامی حاضرین دعا کنید، از

مسیح بخواهید که در جمع شما با قدرت حاضر باشد و شما را محافظت نماید.

* تمامی جلسات را با پرستشی شروع کنید که روی شخصیت خداوند تکیه می‌کند؛ به طور مثال، بسیاری از خصوصیات خداوند در مزمو ۱۴۵ آمده است که می‌توان آنها را شناسایی کرده، در نیایش خود از آنها استفاده کنیم.

* در مقام یک رهبر، خود را کاملاً به مسیح سپرده، با قلبی خادم حضور یابید.

* با قائل شدن مرجعیت نهایی برای کلام خدا در برابر هر عقیده و رسمی، به مسیح جلال بخشید.

* حضور مسیح را انتظار بکشید، نگاه‌تان بر او باشد و برای گرفتن رهنمود، به کلام او رجوع کنید و سپس تمامی نیازها را به صورت دعای شفاعت در حضور او بلند کنید.

کهنات همه ایمانداران

یاد بگیرید برای کهنات ملو کانه همه ایمانداران

خوشحالی کنید و از آن تجلیل به عمل آورید: «لکن شما قبیلۀ برگزیده و کهنانت ملوکانه هستید» (اول پطرس ۲: ۹). معنای کاهن در مفهوم تاریخی آن، به معنی شخصی است که خدا را به مردم می‌شناساند و نیازهای ایشان را در قالب دعای شفاعت به نزد خدا می‌برد. پادشاه‌مان عیسی مسیح، کاهن اعظم کامل است؛ چرا که او خدای نادیده را بر ما آشکار می‌سازد و با بردن گناهان ما بر روی صلیب، ما را بی‌عیب به حضور خدایی می‌برد که خود مقدس است. در طی تاریخ اولیۀ کلیسا، گروهی متشکل از کشیش‌ها یا مردان روحانی به وجود آمد که به نظر می‌رسید رابطه‌ی نزدیک‌تری با خدا دارند و می‌توانند به عنوان کسانی که کلام خدا و حقیقت را بیان می‌کنند، مسیحیان سطوح میانی را خدمت کنند. در دوره‌ی اصلاحات، بسیاری از حقایق از دست‌رفته‌ی کتاب مقدس، بازیابی شد. یکی از آن حقایق، کهنانت همه‌ی ایمانداران است.

این حقیقت به ما می‌آموزد که همهٔ ایمانداران وظیفهٔ خدمت در کلیسای مبتنی بر کتاب مقدس را دارند. اما به این معنی نیست که همهٔ ایمانداران می‌توانند هر کاری را در بدن مسیح انجام دهند، زیرا عطایای روحانی گوناگونی وجود دارد که منجر به خدمت در زمینه‌های گوناگون می‌شود و همچنین میزان رشد و بلوغ در مسیحیت، مراحل مختلفی دارد که با توجه به آن، شخص صلاحیت لازم برای خدمت را کسب می‌کند. اما با اطمینان می‌توانیم بگوییم که منظور این است که همهٔ ما می‌توانیم برای یکدیگر دعا کنیم و تعلیمی را که از کتاب مقدس می‌گیریم، با یکدیگر در میان بگذاریم. همچنین بدین مناسبت که کلیسای خانگی سالم، مکانی است که همه برای کمک و خدمت به یکدیگر جمع می‌شویم و این خدمت جزو اختیارات شخصی عدهٔ به‌خصوصی نیست. چندین راه که به کمک آنها می‌توانید کهنات همهٔ ایمانداران را در کلیسای خانگی شکوفا

سازید، عبارتند از:

* هنگام پرستش، تا حد امکان تعداد بیشتری از مردم را در این امر شرکت دهید. به طور مثال، با دعوت آنها به خواندن یک مزمور، ذکر آیه‌ای دربارهٔ خصوصیات خاص خداوند و یا مشارکت در دعا‌های نیایشی، این کار را می‌توانید انجام دهید.

* از روشی گروهی برای مطالعهٔ کتاب مقدس استفاده کنید. یک الگوی مفید این است که به ترتیب با دعوت هر شخص به خواندن یک آیه، متن را با هم بخوانید. از تک‌تک افراد بخواهید آیه‌ای را که بر قلب یا فکر آنها بیشتر نشسته است، با دیگران، در میان بگذارند. سپس از گروه بخواهید فهرستی از سوالات در رابطه با متن خوانده‌شده تهیه نمایند و سایر افراد را تشویق کنید با توجه به آیات مذکور، سوال‌ها را پاسخ دهند. در انتها، در مورد چگونگی کاربرد آن حقایق با هم صحبت کرده، برای یکدیگر دعا کنید.

* زمانی را به این اختصاص دهید که اعضای کلیسای خانگی خود را به گروه‌های سه نفره تقسیم کنید. از هر یک از آنها بخواهید یک موضوع که باعث شادی آنها در خداوند می‌شود و یک ناراحتی از زندگی خود را در گروه مطرح سازند و برای یکدیگر دعا کنند.

بخش پنجم

اهمیت برقراری روابط

کلیسای خانگی همیشه نقش حیاتی در رشد مسیحیت ایفا کرده، و امروزه نیز در کشورهای مسیحیت که مخالفت شدیدی با انجیل خداوند ما عیسای مسیح به عمل می‌آید، نقشی حساس دارد. قبلاً گفتیم که کلیساهای خانگی اغلب به دست نوایمانانی شروع می‌شوند که درک درستی از اصول کتاب مقدس در این زمینه ندارند، اصولی که باعث سلامت سلامت کلیسای خانگی است. عدم آگاهی از خصوصیات کلیسای خانگی سالم ممکن است منجر به رفتارهای نادرست و رنجش‌هایی شود که اغلب سبب فروپاشی مشارکت‌ها می‌گردد. از این رو، در شماره پیشین، بررسی اصول اساسی کتاب مقدس برای کلیسای

خانگی را شروع کردیم و دیدیم که تصدیق «سر بودن مسیح» و نیز احترام به «کهنات همه ایمانداران» چقدر در این خصوص اهمیت دارد. اکنون به بررسی یک اصل دیگر خواهیم پرداخت که همانا «اهمیت برقراری روابط» است.

اهمیت برقراری روابط

ملکوت خدا از افرادی به وجود آمده که دارای روابطی فدی‌یافته می‌باشند. ایشان به واسطه فیض عادل شمرده شده و از طریق خداوند ما عیسی با خدا مصالحه یافته‌اند؛ اما در عین حال، در بدن مسیح نیز قرار داده شده‌اند و اکنون بر ایشان است که قدرت فدی‌دهنده او را نسبت به یکدیگر نیز نمایان سازند. خداوند عیسی صریحا بر این حقیقت تاکید گذاشته، فرمود: «به همین همه خواهند فهمید که شاگرد من هستید، اگر محبت یکدیگر را داشته باشید» (یوحنا ۱۳: ۳۵). پولس رسول نیز عمیقا به این حقیقت اعتقاد

داشت و فرمود: «او منشاء رشد تمامی بدن است، بدنی که به وسیله همه مفاصل نگاه‌دارنده خود، به هم پیوند و اتصال می‌یابد و در اثر عمل متناسب هر عضو رشد می‌کند و خود را در محبت بنا می‌نماید» (افسیان ۴: ۱۶، هزاره نو). بنابراین، بدن مسیح برنامه‌ای نیست که به دست عده‌ای از رهبران نخبه اداره شود؛ نمایشی نیز نیست که رهبران با استعداد اجرا کنند و دیگران به تماشای آن بنشینند. بدن مسیح اتحادی است زنده که افراد صاحب تولد تازه را در یک خانواده واحد به یکدیگر پیوند می‌دهند. آن از کسانی تشکیل یافته که می‌آموزند چگونه زندگی خود را به حاکمیت و سر بودن مسیح بسپارند. یکی از علائم مهم حیات نوین ایشان، رهایی از اسارت گناه و نفس است، و نیز اشتیاق ایشان به این امر که بیاموزند چگونه در خانواده خود و در خانواده ایمانی خود، روابطی فدی‌یافته داشته باشند.

بزرگترین مشکل!

در کلیسای خانگی شاید مشکلی بزرگتر از برقراری روابط و همزیستی محبت‌آمیز با یکدیگر نباشد. پولس رسول در افسسیان ۴: ۱۴ علت این امر را چنین بیان می‌دارد: «آنگاه دیگر همچون کودکان نخواهیم بود تا در اثر امواج به هر سو پرتاب شویم و باد تعالیم گوناگون و مکر و حیلۀ آدمیان در نقشه‌هایی که برای گمراهی می‌کشند، ما را به این سو و آن سو براند» (هزارهٔ نو). در اینجا پولس رسول خلاصه‌ای از مشکلاتی را ارائه می‌دهد که در کلیساهای خانگی با آنها روبرو هستیم.

ایماندارانی نابالغ: نخست، ایمانداران نابالغی را داریم که برای‌شان دشوار است با صبر و شکیبایی یکدیگر را دوست بدارند. او چنین ایماندارانی را «کودکانی» می‌نامد که نیاز به رشد دارند. بی‌ثباتی ایمانداران: دوم، با بی‌ثباتی مواجه هستیم، زیرا ایماندارانی هستند که در حقایق

کلام خدا ریشه ندوانده‌اند و به همین سبب، با هر موجی که از سوی تعلیمی جدید یا رهبری جدید پدید می‌آید، به این سو و آن سو پرتاب می‌شوند.

نفس فریبکار: سوم، با یکدیگر درگیر می‌شویم زیرا دل گناهکار ما می‌تواند فریب کار و مکار باشد، طوری که سبب می‌شود کلیسای خانگی را در جهت اهداف شخصی خود به کار ببریم.

روابط در کلیسای اولیه

پولس رسول پس از آنکه به تشخیص علائم بیماری پرداخت، روش درمان را ارائه می‌دهد: کلیسای خانگی باید مکانی باشد که در آن افراد بتوانند بدون واهمه حقیقت را به شکلی محبت‌آمیز به یکدیگر بیان کنند، و در ضمن، در جهت رشد متقابل قدم بردارند (آیه ۱۵). او در آیه ۱۶، بار دیگر یادآوری می‌کند که رشد در مسیح بدون کمک متقابل میسر نیست. به طور

خلاصه، بلوغ روحانی یعنی برخورداری از تعالیم درست کتاب مقدس و شخصیتی مسیح‌گونه که در بطن مشارکت و رفاقتی محبت‌آمیز و مسیحایی، در طول زمان شکل می‌گیرد.

وقتی به نحوه عملکرد کلیسای اولیه توجه می‌کنیم، از حیات جامعه‌گونه‌ای که میان ایشان وجود داشت به حیرت می‌آییم. در فصل دوم کتاب اعمال رسولان، می‌بینیم که ایشان در بسیاری از چیزها با هم شریک بودند. ایشان نزد پای‌های رسول می‌نشستند و با هم در عبادت شریک می‌شدند. با یکدیگر دعا می‌کردند و سرود می‌خواندند و اغلب خوراک را با هم می‌خوردند. ایشان وقت خود را طوری صرف می‌کردند تا باعث رشد روحانی یکدیگر گردند؛ حتی اموال خود را نیز با هم تقسیم می‌کردند، طوری که کسی در میان ایشان نیازمند نبود. آنها با ایمان با یکدیگر زندگی می‌کردند، و بی‌ایمانان با دیدن چنین رفاقتی، از حضور الهی در میان ایشان

آگاه می‌شدند، طوری که بسیاری دائماً به ایشان می‌پیوستند. در کتاب عهد جدید شاهد «الاهیات روابط» هستیم که در جملاتی حاوی عبارت «با یکدیگر» تجلی می‌یابد. ما اعضای یکدیگریم و فرا خوانده شده‌ایم تا خود را وقف یکدیگر سازیم و همدیگر را با محبت پذیرا باشیم. ما موظفیم که یکدیگر را از طریق تحمل بارهای هم با بردباری، احترام و خدمت می‌کنیم و به این شکل، یکدیگر را به رشد در مسیح ترغیب کنیم.

خصوصیات الاهی جلسات خانگی

به هنگام طرح برنامه برای جلسات کلیسای خانگی، مهم است تا اوقاتی را برای بنای جامعه مسیحی تعیین کنیم. یوحنا رسول در رساله اول خود نکات جالبی در خصوص ماهیت راستین مشارکت ارائه می‌دهد.

* نخست، مشارکت مسیحی ماحصل پرستش مسیح به صورت گروهی است. یوحنا می‌فرماید:

«اگر در نور سلوک می‌نماییم، چنانکه او در نور است، با یکدیگر شراکت داریم و خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می‌سازد» (اول یوحنا ۱: ۷).

* دوم، کلیسای خانگی باید جایی باشد که در آن شاهد بخشیدن عملی یکدیگر باشیم، چرا که باید روابط خود را زیر خون پاک‌کننده مسیح بیاوریم. این دقیقا همان کاری است که به هنگام برگزاری آیین عشای ربانی در کنار یکدیگر، انجام می‌دهیم.

* سوم، مشارکت مسیحی به این معنا است که مشکلات مشترک خود را با یکدیگر در میان بگذاریم. به این منظور لازم است که در حضور یکدیگر شفاف و گشوده باشیم. وقتی نقاب‌ها را بر می‌داریم و یکدیگر را طوری می‌بینیم که گویی در مشکلاتی واحد شریک هستیم، آنگاه احساس آزادی خواهیم کرد تا خودمان باشیم و خود را همسفر یکدیگر تلقی کنیم. رهبر دانای

کلیسای خانگی راه‌هایی را خواهد یافت تا اعضای خود ترغیب به شفافیت کند و ایشان را تشویق نماید تا نیاز خود را به دعا و حمایت با یکدیگر در میان بگذارند.

* چهارم، در کلیسای خانگی است که می‌توانیم تعالیمی را دریافت کنیم که مناسب نیاز واقعی‌مان باشد، زیرا وقتی در حضور یکدیگر شفاف و بی‌نقاب می‌شویم، این فرصت را می‌یابیم که از راه‌حل‌های الهی برای مشکلات‌مان آگاه شویم و بدانیم او چگونه می‌تواند ما را رشد دهد. محک و معیار واقعی برای اطمینان از رشد کلیسای خانگی‌تان در فیض خداوند، در محبت شما به خدا و به قوم او نهفته است.

بخش ششم

رهبر کلیسای خانگی

کلیسایی که فاقد رهبری شایسته باشد، محکوم به انحراف به سمت برهوت یأس و سرخوردگی است؛ و عاقبت در چنین جایی، قلب‌های مردم می‌شکند و مقدسین از کلیسا جدا می‌شوند. تا به حال چند گروه با امید بسیار کار خود را شروع کرده‌اند و برای مدتی کوتاه به شکوفایی رسیده‌اند، اما در آخر با خشم و رنجش از هم پاشیده‌اند؟ جای شادی بسیار است که افراد به سمت ایمان به مسیح بیایند، اما این باید هشداری باشد در این خصوص که کلیسای خانگی ما گاه بیشتر از اینکه افراد را به شاگردانی بالغ مبدل کند، آنها را از مسیح دور ساخته است.

مشخصات رهبری خوب

الگوی زندگی مسیحی: ما به رهبران خداشناسی نیاز داریم که بتوانند با فروتنی و قلب خدمتگزار خود، نمونه‌ای از زندگی مسیحی را ارائه دهند. رهبران خوب نه تنها مردم را در فراگیری حقایق ارزشمند کلام خدا یاری می‌دهند، بلکه به ایشان کمک می‌کنند تا محبت خدا را تجربه کرده، آن را به دیگران نیز عرضه می‌کنند.

تمرکز بر کتاب مقدس: رهبران خوب، جلسات را طوری اداره می‌کنند که تمرکز گروه بر عملکردهایی مبتنی بر کتاب مقدس باشد. در این صورت، ایشان قادر خواهند بود مشارکت را طوری حفظ کنند که افرادی که شخصیتی سلطه‌جو یا روحیه‌ای بی‌ثبات دارند، نتوانند از جلسات سوءاستفاده کنند. ما به رهبرانی نیاز داریم که از سوی خدا برای این کار دعوت شده باشند، و بخواهند مانند عیسی وظیفه رهبری را انجام دهند.

برخورداری از صلاحیت لازم: در تمام مشارکت‌ها افرادی هستند که احساس می‌کنند از سوی خدا برای رهبری فرا خوانده شده‌اند. برخی از ایشان بسیار مشتاق رهبری‌اند، اما در واقعیت صلاحیت انجام آن را ندارند و نمی‌توانند از پس این خدمت برآیند. گاهی اشتیاق برای رهبری آنان را اسیر خود می‌سازد، اما از آنجا که عطایا و بلوغ کافی برای این کار را ندارند، شاید باعث شود از جایگاه رهبری برای برافراشتن خود استفاده کنند. عده دیگری نیز هستند که توانایی این کار را دارند، اما اشتیاقی ندارند؛ این نشان‌دهنده وجود روحیه ناطاعتی است که خداوند قادر است آن را از میان بر دارد. عده دیگری، هم از سوی خدا برای رهبری فرا خوانده شده‌اند و هم مشتاق انجام این خدمتند، اما مطمئن نیستند که آیا توانایی آن را نیز دارند یا خیر. ایشان نیاز دارند تا شخصی آنان را با نحوه رهبری آشنا سازد و ایشان نیز با روحیه‌ای

تعلیم‌پذیر و مقداری تمرین، می‌توانند تبدیل به رهبران سودمندی برای جلال نام خداوند شوند.

خدمتگزاری: بسیار مهم است که بدانیم شیوه رهبری که دنیا قبول دارد، با شیوه رهبری مبتنی بر کتاب مقدس در تضاد کامل است. رهبرانی که دنیا تربیت می‌کند، باید بر اساس میزان اثرگذاری، توانایی، ایجاد بیم و هراس، و جاذبه‌های فردی رهبری کنند. ایشان در پی کسب مقام، قدرت، و امنیت هستند و این در تضاد کامل با رهبران مسیحی است که ردای خادم را بر تن خود می‌کنند و مایلند مانند عیسی رهبری کنند. «زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند» (مرقس ۱۰: ۴۵). برداشت رهبران مسیحی از مفهوم بزرگی، به طرز وسیعی با برداشت دنیا متفاوت است. «هر که خواهد در میان شما بزرگ شود، خادم شما باشد» (مرقس

۱۰: ۴۳). پس می‌بینیم که رهبر، خادمی است که با رهبری خدمت می‌کند، و با خدمت رهبری می‌کند. عملکردهای چنین رهبری چیست؟

عملکردهای رهبر

* تمرکز رهبر باید بر روی هدف اصلی کلیسای خانگی باشد. او باید اینگونه به گروه تعلیم دهد که به منظور حفظ جایگاه مسیح به عنوان مرکزیت جلسه، می‌بایستی زمان‌های مشخصی برای پرستش، دعا، بررسی کتاب مقدس، و مشارکت وجود داشته باشد. رهبر باید اطمینان حاصل کند که نیاز افراد در زمان دعاها، شفاعتی مورد توجه قرار گرفته، ایمان ایشان در حال رشد است. همچنین توجه به شروع و پایان دقیق زمان برگزاری جلسات جزو مسئولیت‌های رهبر است.

* رهبر خوانده شده است تا با پذیرش گرم میهمانان و حصول اطمینان از اینکه نیازهای

شخصی ایشان نادیده انگاشته نشده است، گله را شبانی نماید. او موظف خواهد بود به سوالات افراد در مورد ایمان پاسخ دهد، کشمکش‌ها را برطرف سازد، و دعا را در راستای نیاز افراد هدایت کند.

* رهبر باید مطمئن شود که کارهای مربوط به سازماندهی و برنامه‌ریزی جلسات به خوبی صورت گرفته است. مثلاً اینکه همه مطلع شوند جلسه کجا برگزار خواهد شد، چه کسی مسئول تهیه خوردنی‌هاست، چه کسی تعلیم می‌دهد، چه کسی سرودها را ترتیب می‌دهد، و چه کسی مسئول رساندن افراد پس از پایان جلسه است.

* رهبری که عیسی را الگو و نمونه خود قرار دهد، متوجه وجود توازن‌هایی خواهد شد که باید همواره برقرار باشد. عیسی از پدر اطاعت می‌کرد و هم‌زمان افرادی را محبت و خدمت می‌نمود. البته آسان نیست که این توازن را همیشه حفظ کنیم. عیسی همانطور که مردم

را محبت و خدمت می‌کرد، نسبت به هدف خود استوار باقی می‌ماند. شما در مقام رهبر، ممکن است وسوسه شوید تا ایمان و هدف خود را به منظور راضی کردن مردم مورد سازشکاری قرار دهید، اما در اینجا باید از خداوند حکمت بطلبید تا بدانید چگونه ممکن است بدون ناطاعتی از او، دیگران را نیز محبت و خدمت کنید.

خصوصیات رهبر

بررسی کلیه خصوصیت‌های یک رهبر مسیحی از دیدگاه کتاب مقدس، از حوصله این مقاله خارج است. (اول تیموتائوس ۳: ۱-۱۳ را بخوانید.) اما به هر حال، لازم می‌دانیم تا برخی از خصوصیت‌های حیاتی یک رهبر کلیسای خانگی را جهت خدمت موفقیت‌آمیز، مورد بررسی قرار دهیم.

تشنگی برای خدا: مهم‌ترین خصوصیت یک رهبر گرسنگی و تشنگی فراوان برای خدا است.

داوود در مزمور ۱۱۹: ۱۰ اینگونه می‌نویسد: «به تمامی دل تو را طلبیدم. مگذار که از اوامر تو گمراه شوم.» در واقع خدمت رهبری، نوعی تاثیرگذاری الهام‌بخش بر مردم است. آنانی که به خاطر مسیح بر دیگران تاثیر می‌گذارند، بیشتر افرادی هستند که برای خود خدا و حقیقت وجود او اشتیاق شدید دارند. عمیق‌ترین اثرگذاری‌ها، از شدیدترین اشتیاق‌ها ناشی می‌شود. هرچقدر که قلب‌مان بیشتر در مسیح از رضایت و خرسندی پر باشد، بیشتر نام او را به وسیله زندگی خود جلال خواهیم داد.

فروتنی و تعلیم‌پذیری: برای رهبری کلیسای خانگی، برخورداری از روحیه‌ای فروتن و تعلیم‌پذیر بسیار لازم است. پطرس رسول در رساله اول خود، فصل ۵ آیه ۶، پیرامون فروتنی در برابر خدا اینگونه می‌فرماید: «پس زیر دست زورآور خدا فروتنی نمایید.» به همان ترتیب، باید در برابر دیگران نیز فروتن باشیم: «همه با

یکدیگر فروتنی را بر خود ببندید.» (اول پطرس ۵: ۵). عملاً یعنی اینکه حین تعلیم کلام خدا، شاید نیاز باشد حتی خود ما نیز در برابر دیگران اعتراف کنیم که معنای درست این آیه را در ابتدا درک نکرده بودیم، یا اینکه شخصا از اطاعت آن کوتاهی ورزیده‌ایم. این یعنی تذکرات و تادیب‌های دیگران را در جمع با روحیه‌ای نرم بپذیریم یا در برابر جفایی که به خاطر مسیح به ما می‌رسد، ثابت بایستیم.

شکیبایی و میل به مراقبت: برای شبانی کردن نوایمانان در جلسه خانگی، برخورداری از قلبی شکیبا و مملو از توجه و مراقبت، بسیار حیاتی است. «ای حبیبان، اگر خدا با ما چنین محبت نمود، ما نیز می‌باید یکدیگر را محبت نماییم» (اول یوحنا ۴: ۱۱). یوحنا درک کرد که محبت خدا که در ابتدا در جسم، توسط عیسی ظاهر شد، اینک باید در زندگی جسمانی ما آشکار شود و در بدن او (یعنی کلیسا) تجربه گردد. شبان

یک گروه کوچک باید هر هفته از افراد سوالاتی بپرسد تا دریابد زندگی ایشان با خداوند عیسی چگونه پیش می‌رود و می‌بایست در حین هدایت و تربیت ایشان، توجه محبت‌آمیزی از خود نشان دهد. او باید به سوالات ایشان پاسخگو باشد. همه این اطلاعات که او در هر هفته به دست می‌آورد، باید زیربنای اصلی دعاهای روزانه او برای گله خود گردد. پیام‌های او زمانی واقعی به نظر خواهد رسید که او به گله اجازه دهد تا بتوانند به درون قلب شبان خود نگاه کرده، ببینند که خداوند در آن چگونه کار می‌کند.

بخش هفتم

مهارت‌های رهبر کلیسای خانگی

اهمیت رهبری درست جلسات

گزارش‌های کتاب مقدس از اولین کلیسای خانگی که آن را در کتاب اعمال رسولان می‌بینیم، نشان می‌دهد که آیین‌های مشخصی وجود دارد که باید الزاما در هر جلسه کلیسایی صورت پذیرد. در کتاب اعمال ۲: ۴۲-۴۷ شاهد یک کلیسای در حال فعالیت هستیم. به وضوح پرستش را می‌بینیم: «... و در خانه‌ها نان را پاره می‌کردند و خوراک را به خوشی و ساده‌دلی می‌خوردند» (آیه ۴۶)؛ مطالعه کلام خدا: «و در تعلیم رسولان... مواظبت می‌نمودند» (آیه ۴۲)؛ مشارکت: «... و مشارکت ایشان» (آیه ۴۲ و ۴۴)؛ دعا (آیه ۴۲)، و خدمت: «و املاک خود را فروخته، آنها را به

هر کس به قدر احتیاجش تقسیم می‌کردند» (آیهٔ ۴۵).

کلیسای خانگی فقط در یک محیط سالم و به شرطی درست عمل می‌کند که رهبر بداند چطور باید جلسه را رهبری کند که این فعالیت‌های اساسی در آن صورت بگیرد. من از کلمهٔ فعالیت استفاده می‌کنم تا تاکید کنم که تجربیات مبتنی بر کتاب مقدس می‌تواند به شکل‌های مختلف صورت گیرد، همانطور که آب می‌تواند در ظرف‌های مختلفی جاری شده و شکل آنها را به خود بگیرد. آنچه حائز اهمیت بسیار است، این است که بفهمیم روح القدس خود چطور هر جمع خانگی را رهبری می‌کند تا این اصول حیاتی را تجربه کنند.

هشدار دیگری که لازم می‌دانم بدهم، این است که گاهی کلیساهایی را می‌بینیم که غیرمتعادل پیش می‌روند. بدین ترتیب که روی یک یا دو مورد از فعالیت‌ها بیش از حد تاکید می‌ورزند و

مابقی را کنار می‌گذارند. از این دسته، کلیساهایی هستند که تمام وقت خود را به پرستش و دعا می‌گذرانند و هیچوقت فرصتی جدی به بررسی کلام اختصاص نمی‌دهند. یا کلیسایی که افراد در آن تمام وقت به معلمی که در حال تفسیر کلام است، گوش فرا می‌دهند و زمانی بسیار اندک برای دعاها و شفاعتی دارند. اینجا است که ضرورت دارد رهبر کلیسای خانگی دارای مهارت‌های کافی برای ایجاد تعادل در فعالیت‌ها باشد. چون وقتی تعادل وجود داشته باشد، اعضای کلیسا به عنوان شاگردان مسیح، در او رشد می‌کنند.

مهارت‌های لازم

حال به مهارت‌های لازم در یک رهبر که می‌تواند باعث رشد کلیسای مبتنی بر کتاب مقدس شود، خواهیم پرداخت.

* رهبر کلیسای خانگی بایستی بداند چگونه

قسمت پرستش را رهبری کند. به عنوان مثال، مزمور ۱۰۰ می‌تواند نمونه‌ای برای پرستش ما باشد.

اول می‌بینیم که مزمورنویس مردم را به پرستش فرا می‌خواند: «ای تمامی روی زمین خداوند را آواز شادمانی دهید» (آیه ۱). رهبر باید ذهن و قلب افراد را با استفاده از کلام، به سوی خدا بکشانند تا زمانی برای پرستش خدا با سرودها پدید آید.

دوم اینکه، باید توجه داشت پرستش ما منوط بر شناخت ما از خدا و رابطه ما با او است: «بدانید که یهوه خدا است؛ او ما را آفرید» (آیه ۳). پرستش مبتنی بر کتاب مقدس روی شخصیت خداوند تمرکز دارد. پس چقدر خوب است که یکی از صفات خدا را برگزینیم و با استفاده از آیات مختلف کتاب مقدس که بدان صفت خاص اشاره دارد، پرستشی در راستای شناخت خدا تنظیم کنیم.

سوم اینکه پرستش باید بر وارد شدن به حضور خدا تاکید بورزد: «به دروازه‌های او با حمد بیایید و به صحن‌های او با تسبیح» (آیه ۴). در تجربه پرستش، وقتی خدا را حمد و تسبیح می‌خوانیم، حضور او را حس می‌کنیم اما گاهی فراموش می‌کنیم که اگر بخواهیم وارد حضور خدا شویم، می‌بایستی با توبه و اعتراف پیش رویم که به طلب مغفرت خواهد انجامید. در آخر هم می‌توانیم به خاطر وعده‌های خدا شادمانی کنیم: «زیرا که خداوند نیکو است و رحمت او ابدی و امانت وی تا ابدالآباد» (آیه ۵). پرستش باید ما را به امید و اعتماد در خداوند برساند و وعده‌های او می‌بایست ما را تقویت بخشد. داوود مزمور ۲۳ را اینگونه تمام می‌کند: «هر آینه نیکویی و رحمت تمام ایام عمرم در پی من خواهد بود.»

* رهبر کلیسای خانگی بایستی بدانند چگونه بخش مطالعه کتاب مقدس را رهبری کند. نمونه مبتنی بر کتاب مقدس مطالعه و بررسی، در

دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ بیان شده است. مطالعه کتاب مقدس در یک کلیسای خانگی باید متفاوت از کلیساهای ساختمانی باشد. در کلیسای ساختمانی ما در قالب گروه‌های بزرگ می‌نشینیم و به واعظ که در حال تفسیر کتاب مقدس است، گوش می‌دهیم. اما در جمع‌های خانگی ما از تک‌تک افراد می‌خواهیم که خود مستقیماً با متن کلام روبه‌رو شوند.

پولس به تیموتائوس تعلیم می‌دهد که چگونه کلام خدا باید در زندگی ما ثمر دهد: الف) به جهت تعلیم دادن مفید است؛ ب) ما را تنبیه کرده، متوجه می‌سازد که چه هنگام از عمل به آن تعلیم قصور کرده‌ایم؛ پ) اصلاح‌مان کرده، به ما می‌گوید چطور از گناه دوری کنیم و عادلانه زندگی کنیم؛ و در آخر، ت) تربیت‌مان می‌کند چگونه مقدس زندگی کنیم و خداوند را خشنود سازیم.

روش های مناسب

اکنون وقت آن می رسد که یک برنامه مطالعاتی مناسب تهیه کنیم تا فرآیند گفته شده در کلیسای خانگی مان اعمال شود.

* یکی از بهترین روش ها، DOTA است (به وبسایت www.baham.tv نگاه کنید) که افراد را فرا می خواند تا کلام را با یکدیگر بخوانند و مطرح کنند که کدام آیه به طور خاص با قلب یا ذهن آنها سخن گفته است. بعد از آن فهرستی از کاربرد آیات تهیه می شود؛ بدین ترتیب که هرکس بیان می کند آیه مورد نظرش را چگونه می تواند در زندگی خود به کار ببرد. سپس هر یک اعلام می کنند که در کدام قسمت نیاز به رشد دارند. زمان مطالعه کلام می تواند با دعاهای کوتاه برای اینکه خداوند تغییرات گفته شده را به زندگی هرکس وارد کند، به خاتمه برسد.

* روش ساده دیگری هم وجود دارد که رهبر سوالاتی از جمع می پرسد: (۱) متن راجع به چه

چیزی سخن می گوید؟ ۲) معنی این قسمت برای شخص شما چیست؟ ۳) این متن چه تغییری را باید وارد زندگی شما کند؟ هر روشی که انتخاب شود، بسیار مهم است که رهبر به حرف‌های تک‌تک افراد با دقت گوش دهد و جواب‌ها را به استهزا نگیرد. همچنین می‌بایستی وقتی که اختلاف نظر در مورد مطالبی وجود دارد، اوضاع را کنترل کرده، بکوشد جواب صحیح مبتنی بر کتاب مقدس را بیابد.

* رهبر کلیسای خانگی باید بداند چگونه مشارکت را در جمع پدید آورد. یوحنا ۱: رسول تعلیم می‌دهد مشارکت زمانی اتفاق می‌افتد که مسیحیان با هم، در نور زندگی کنند و رابطه‌شان در زیر خون عیسای مسیح باشد که خورش هر گناه را پاک می‌سازد (اول یوحنا ۱: ۷). مشارکت، همسفر شدن با دیگر مسیحیان در سفر زندگی است تا شاهد باشیم که زندگی با مسیح چه ویژگی‌ها و تفاوت‌های چشمگیری

دارد. پس هنگامی که شخص جدیدی به گروه‌تان می‌پیوندد، از او بخواهید تا شهادت خود را بازگو کند. مشارکت زمانی به اوج خود می‌رسد که در آن اتفاق‌های خاص را با هم جشن بگیریم و در خوشی‌های هم شریک باشیم. وقتی اعضای کلیسا درگیر کشمکش‌های فردی می‌شوند، رهبر باید در برقراری صلح و آرامش و مصالحه بین آنها بکوشد و مطمئن شود که ایشان به خوبی می‌دانند چگونه متی ۱۸: ۱۵-۱۷ را در زندگی خود به عمل برسانند. هیچگونه دعوای شخصی و بدگویی نباید در محیط کلیسا تحمل شود؛ بلکه هر شخص باید تشویق شود تا به افراد دیگر کلمات تهذیب‌کننده و کمال‌آور بگوید.

* رهبر کلیسای خانگی باید بداند چطور خدمت کردن را به افراد بیاموزد. در این زمینه مثال بهتری از خود خداوندمان وجود ندارد. او بعد از شستن پای‌های شاگردانش گفت: «پس اگر من که آقا و معلم هستم، پای‌های شما را

شستم، بر شما نیز واجب است که پای‌های یکدیگر را بشوید» (یوحنا ۱۳: ۱۴). خداوند ما بهترین راه را برای اینکه آموختن خدمت کردن به دیگران را بیاموزیم، به ما نشان داد: اینکه خود خادم دیگران شویم. هرگز فراموش نکنید که هرچه بیشتر برای خدمت از خودتان مایه بگذارید، بیشتر به مخدومین‌تان ارزش داده‌اید؛ به شرطی که انگیزه‌تان، جلال نام خودتان نباشد. دیگران را وارد خدمت کنید و به خاطر این کار بدیشان احترام بگذارید. سوالی که در قلب بسیاری وجود دارد این است: «آیا این رهبر به من کار مهمی برای انجام دادن می‌سپارد؟ آیا به من اعتماد می‌کند که این کار را به تنهایی عهده‌دار شده، انجام دهم؟ آیا اگر برای انجام آن به مشکل برخوردیم، او در کنارم خواهد بود؟»

چرخه حیات در کلیسای خانگی

دیدگاه‌های مختلف

روح القدس کلیساهای خانگی را در هر جا برمی‌افرازد. برای این منظور خدا را ستایش می‌کنیم چرا که نقشه‌ی الهی او این است که کلیسایش را در میان تمامی اقوام روی زمین برقرار سازد. کلیسای خانگی طی زمان‌های مختلف مورد آزمایش قرار گرفته و ثابت نموده که ابزار مفیدی است که به واسطه‌ی آن ایمانداران می‌توانند در امنیت تجمع یافته، در فیض رشد کنند. اما باید آگاه باشیم زیرا گروه‌های مختلف مردم، کلیسای خانگی را با دیدگاه‌های متفاوتی که در خصوص عملکرد آن دارند تاسیسی می‌نمایند. برای مثال برادری معتقد بود برای

تشکیل یک کلیسای خانگی فقط تعدادی نیمکت و یک منبر مورد نیاز است. با توجه به عقاید انحرافی زیاد در ارتباط با کلیسای خانگی، تصمیم گرفتم مجموعه‌ای از مقالات بر اساس الگوی کتاب مقدس جهت جلسات ایمانداران در خانه‌ها بنویسم. همچنین بر آن شدم تا به جای «اشکال» مختلف کلیسای خانگی به طور خاص راجع به «عملکرد» آن بنویسم. در این مقاله قصد دارم خوانندگان را با این مفهوم که کلیسای خانگی «چرخه‌های حیات» دارند آشنا سازم. اگر شخصی می‌خواهد رهبر کارآمدی باشد، باید این چرخه‌ها را شناخته، نحوه واکنش نسبت به هر یک را بداند.

مراحل سرخوشی و سرخوردگی

تمام کسانی که با خدمت کلیسای خانگی ارتباط داشته‌اند، خیلی زود دریافته‌اند که آنها تقریباً به همان سرعتی که ظاهر می‌شوند، منحل نیز

می‌گردند. لازم است دلایل این روند را بدانیم. درک این امر همواره برای من مفید بوده که هرگاه تشکیلات جدیدی شکل می‌گیرد، ابتدا دوره «سرخوشی» آغاز می‌گردد که طی آن همه با این وعده و امید که خدمت به طور فزاینده‌ای رشد خواهد کرد، به هیجان می‌آیند. آنچه اغلب انتظار نمی‌رود، این است که دوره سرخوشی به سرعت به مرحله‌ای تنزل می‌کند که می‌توان آن را «سرخوردگی» نامید. میان اعضای گروه تنش‌هایی به وجود می‌آید و باعث می‌شود ایشان از مشارکت با یکدیگر لذت نبرند. سپس فقدان تعهد در بعضی، سبب دلسردی می‌گردد و برخی از اعضا، گروه را ترک می‌کنند. در سایر موارد اختلاف بر عقاید الاهیاتی مختلف یا شیوه خدمتی که باید توسط گروه به کار رود، گسترش می‌یابد. در نتیجه سرخوردگی بسیاری اوقات منجر به انحلال یا حتی بدتر از آن، دلسردی نسبت به مسیحیت می‌گردد.

مرحله رشد

واقعیت اسفبار این است که اغلب رهبران کلیساهای خانگی درک نمی‌کنند که باید قسمت سومی تحت عنوان «مرحله رشد» وجود داشته باشد. در این موقعیت رهبران پی می‌برند بحرانی که گروه تجربه می‌کند در صورت کنترل مناسب، خود یک تعلیم و فرصتی جهت رشد خواهد بود. در این لحظه نباید مشارکت را با عواطف آسیب‌دیده ترک کرد و آن را از هم پاشید چرا که می‌تواند منجر به سخت شدن دل‌ها گردد. متأسفانه در بسیاری موارد ما هرگز فرصت خدمت در موقعیت‌های دشوار را به خاطر عواطف آسیب‌دیده نداریم، چون از شرایط سخت می‌گریزیم و بدین ترتیب فرصت مواجهه با قصورات و عدم بلوغ خود را از دست می‌دهیم. کلیسای خانگی می‌تواند مکان شگفت‌انگیزی برای رشد در مسیح باشد، به شرط آنکه رهبران اصول کتاب مقدسی را در زمینه شفا و مصالحه

بیاموزند.

ضرورت روابط صمیمی و غیر تصنعی

من معتقدم که دلیل آسیب‌پذیر بودن اکثر کلیساهای خانگی این است که به ندرت از روابط سطحی پا فراتر می‌گذارند. آنها جمع می‌شوند تا اعمال خاصی نظیر دعا، سرود و مطالعه کتاب مقدس را به جا آورند، در حالیکه تجربه مشارکت عمیق کتاب مقدسی را از دست می‌دهند، چون مطالعه آنها از کتاب مقدس در زندگی واقعی کاربرد ندارد. خیلی اوقات نوعی دیدگاه غیر واقعی در مسیحیت مطرح می‌شود که می‌گوید زندگی پیروزمند مداوم یک اصل است، و به این ترتیب، در اشخاصی که از چنین زندگی برخوردار نیستند، این نظر القا می‌گردد که یا کم‌ارزشند یا حتی اینکه زندگی‌شان مطابق قاعده پیروزی نیست.

لحظه‌ای دقیق فکر کنید: آخرین باری را به

خاطر آورید که در یک جلسهٔ مسیحی حضور داشتید و کسی مطرح کرده که پیروی عیسی برایش دشوار بوده است. من این تجربهٔ شخصی را به یاد می‌آورم که یک بار در جلسه‌ای مطرح کردم که در زندگی روحانی خود، دچار کشمکش هستم. همه از حیرت سکوت اختیار کرده بودند، چون نمی‌دانستند نسبت به کشیشی که اعتراف به کشمکش روحانی می‌کند، چگونه واکنش نشان دهند. به بیانی ساده‌تر، تصویر ذهنی آنها از یک کشیش این نیست، بلکه کسی است که قادر به غلبه بر تمامی موانع روحانی است. این همان تعبیر روحانی سطحی از ایمان است که باعث می‌شود بسیاری از مردم احساس کنند هیچ‌کس اندوه شخصی آنها را نمی‌فهمد. در نتیجه، مشارکتی تصنعی به وجود می‌آید که مانع از شناخت حقیقی ما نسبت به یکدیگر می‌گردد.

پولس در اول قرن‌تین ۱۰: ۱۳ می‌نویسد که وسوسه و فشارها شامل حال همگی ما می‌گردد.

رهبر کلیسای خانگی که در می‌یابد چگونه مشارکت خالص و خدمت الاهی را در میان اعضا گسترش دهد، شاهد مشارکت سالم‌تر و پایدارتری خواهد بود.

نحوه عمل در مرحله سرخوردگی

با توجه به این اصل که تمامی کلیساهای خانگی دوره سرخوردگی را طی می‌کنند، رهبر باید قادر به تشخیص خدمت لازم در این زمان باشد. هر گروه باید بیاموزد که چگونه در این شرایط غم‌انگیز و اجتناب‌ناپذیر عمل کند. در فصل اول از رساله دوم قرن‌تیان، پولس دیدگاه خدمتی خود را در دوره‌های پر چالش مطرح می‌کند. ما ابتدا باید آرامش را از خدا بیابیم، سپس آن را با یکدیگر تقسیم کنیم. «که ما را در هر تنگی ما تسلی می‌دهد تا ما بتوانیم دیگران را در هر مصیبتی که باشد تسلی نماییم، به آن تسلی که خود از خدا یافته‌ایم» (آیه ۴). او نتیجه‌گیری

می‌کند که ما امید را از این فرایند حساس بودن نسبت به یکدیگر به دست می‌آوریم. «و امید ما برای شما استوار می‌شود زیرا می‌دانیم که چنانکه شما شریک دردها هستید، همچنین شریک تسلی نیز خواهید بود» (آیه ۷). در واقع وقتی می‌آموزیم که در طول تألمات در روابط، از مسیح الهام بگیریم، و حتی نسبت به کسانی که به ما لطمه وارد آورده‌اند محبت نشان دهیم، در آن حالت، قدرت انجیل را نمایان ساخته، به حیات کلیسای خانگی خود عمق می‌بخشیم.

هدف از این فرایند، آشکار شدن نیروی دگرگون‌کننده قدرت محبت مسیح است. عیسی فرمود: «به شما حکمی تازه می‌دهم که یکدیگر را محبت نمایید. به همین همه خواهند فهمید که شاگرد من هستید، اگر محبت یکدیگر را داشته باشید» (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵). مسیح در حالی ما را محبت کرد که ما دشمنان او بودیم، و این محبت سبب شد دوستان او گردیم. زمانی

که محبت مسیح در کلیسای خانگی شما وارد عمل می‌شود، هر یک از اعضا را بر می‌انگیزد تا در امر تحقق شفا و احیا اصرار ورزند. چنین محبتی به مشارکت در طول دورهٔ سرخوردگی تداوم بخشیده، گروه را وارد بُعد تازه‌ای می‌سازد تا اعماق بی‌کران محبت خدا را کشف نمایند.

بخش نهم

حفظ اتحاد در کلیسای خانگی

«ای برادران، به نام خداوند ما عیسای مسیح از شما تمنا دارم که با هم توافق داشته باشید تا در میان شما تفرقه نباشد و همگی در اندیشه و رأی با هم متحد باشید» (اول قرن‌تیمان ۱: ۱۰، هزاره نو).

در اینجا پولس رسول کلیسایی را مخاطب قرار می‌دهد که پر است از تنش و تفرقه. او با دلی دردمند، ایشان را به اتحاد و آرامش فرا می‌خواند. همه کسانی که کوشیده‌اند کلیسایی خانگی را رهبری کنند، با اندوه، شاهد تنش‌ها و تفرقه‌ها در گله خود بوده‌اند. هر جا که مقدسین گناهکار به منظور پرستش خدا و رشد در فیض او گرد

می‌آیند، بروز تنش در روابط اجتناب ناپذیر است. تفاوت در این است که برخی از رهبران می‌دانند چگونه با این تنش‌ها برخورد کنند، و بعضی دیگر نمی‌دانند. اغلب اوقات، واکنش‌های گناه‌آلود حل و فصل نمی‌شوند و این امر موجب گسسته شدن مشارکت میان برادران و خواهران می‌گردد. به جای آنکه خدا جلال یابد، نام مسیح مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرد. در این فصل، به برخی از مسائل رایج می‌پردازیم که در کلیسای خانگی پدید می‌آید، مسائلی که اگر با محبت حل نشوند، موجب تنش می‌گردد. من در آنچه که پطرس رسول در این خصوص نوشته است، حکمت عمیقی مشاهده می‌کنم: «مهم‌تر از همه، یکدیگر را به شدت محبت کنید، زیرا محبت، انبوه گناهان را می‌پوشاند» (اول پطرس ۴: ۸). پطرس تعلیم می‌دهد که برتری محبت مسیح ما را قادر می‌سازد تا یکدیگر را، حتی زمانی که در حق هم گناه کرده‌ایم دوست بداریم. این امر مسئولیت

ما را در پذیرش گناهان خود و طلبیدن قدرت مسیح برای غلبه بر آنها منتفی نمی‌سازد، اما این امید را به ما می‌دهد که بدانیم در چارچوب بدن مسیح، خانواده‌ای داریم که ما را در گناهان مان رها نمی‌سازد، بلکه ما را محبت می‌کند تا به پیروزی نائل گردیم. امید من این است که با بذل توجه به برخی از رایج‌ترین مسائلی که در کلیساهای خانگی بروز می‌کند، و نیز با تلاش برای حل آنها بر اساس کتاب مقدس، به ابزارهایی دست یابیم که برای رویارویی با تنش‌ها همراه با محبت و درایت، مورد نیاز می‌باشند.

افراد برون‌گرایی که بر گروه مسلط می‌شوند

تقریباً در هر گروهی، لاقلاً یک نفر هست که بحث را تحت کنترل می‌گیرد و مانع شراکت دیگران می‌گردد. برای این امر دلایل مختلفی وجود دارد. این شخص ممکن است فردی برون‌گرا باشد و متوجه نباشد که وقت گروه را می‌گیرد. یا شاید

قوه درکش قوی تر است و می‌خواهد نظرات خود را با دیگران در میان بگذارد. شاید هم می‌خواهد بر گروه مسلط شود تا در مرکز توجه قرار گیرد و بحث را اداره کند.

راه‌حل: (یعقوب ۱: ۱۹-۲۰). در خلوت با او ملاقات کنید و از او بخواهید تا شما را در سوق دادن دیگران به شراکت در بحث یاری دهد. به او بگویید که گاه سکوت لازم است تا دیگران درباره آنچه خدا به ایشان تعلیم می‌دهد فکر کنند. سپس از او بخواهید که بکوشد کشف کند که دیگران درباره موضوع مورد بحث چه فکر می‌کنند.

افراد ساکتی که هیچگاه چیزی نمی‌گویند
در هر گروه قطعاً کسی هست که هیچگاه چیزی نمی‌گوید یا با صدای بلند دعا نمی‌کند. بنابراین، پی بردن به وضعیت روحانی او غیرممکن می‌گردد. رهبری حساس خواهد کوشید تا علت

سکوت چنین شخصی را تشخیص دهد. شخص ساکت ممکن است فکر کند آنقدر معلومات ندارد که بخواهد اظهار نظر کند و نمی‌خواهد مورد تمسخر قرار گیرد. یا ممکن است احساس می‌کند که گروه پذیرای او نیست و به همین دلیل، خود را منزوی می‌سازد. شخص رهبر نیز ممکن است طوری بحث را تحت کنترل می‌گیرد که کسی احساس نمی‌کند که می‌تواند اظهار نظر کند.

راه‌حل: رهبر می‌تواند از افراد ساکت خواهش کند که بخشی از کلام را برای گروه بخوانند. به هنگام بحث نیز می‌تواند سوالی مناسب از هر فرد بکند یا مستقیماً از فرد ساکت سوال کند.

اشخاصی که همیشه مشکلی به همراهی آورند
گاه بعضی از افراد با مشکلات شخصی بزرگی به جلسه می‌آیند و می‌خواهند آن را در جمع مطرح سازند. در این صورت، این مشکل شخصی

سریعا تمام جلسه را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اگر چنین موقعیتی به شکلی مناسب رفع و رجوع نشود، ممکن است توجه شرکت‌کنندگان را از جلسه منحرف سازد، زیرا افراد برای عبادت و مطالعه کتاب مقدس گرد هم می‌آیند، نه برای شنیدن مشکلات بزرگ یکدیگر.

راه‌حل: رهبر باید کنترل را به دست بگیرد و وقتی را برای دعا برای مشکل آن شخص اختصاص دهد و بعد او را مطمئن سازد که به طور خصوصی با او ملاقات و صحبت خواهد کرد. در طول چنین ملاقاتی، می‌تواند از امکاناتی نظیر مشاوره استفاده کند.

اشخاصی که دچار ریشه تلخی هستند

(عبرانیان ۱۲: ۱۵). اشخاصی که دچار ریشه تلخی هستند، به روابط میان افراد لطمه وارد می‌سازند. در کتاب مقدس به تعدادی از گناهان اشاره شده که اگر به درستی به آنها رسیدگی

نشود، تلخی پدید می‌آورند. از میان آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: غیرت (امثال ۲۳: ۱۷)؛ روحیه انتقاد (اعداد ۱۱: ۱؛ کولسیان ۳: ۸)؛ انتقام‌جویی (رومیان ۱۲: ۱۹)؛ کینه (اول یوحنا ۴: ۱۹-۲۱)؛ توطئه‌چینی (اعداد ۱۶: ۱-۱۱)؛ حسادت (اول قرنتیان ۱۳: ۴)؛ اهانت لفظی به دیگران (اعداد ۱۲: ۱-۱۲)؛ غیبت‌گویی (اول تیموتائوس ۵: ۱۳)؛ و روحیه طعنه و تمسخر (افسیان ۴: ۲۹).

راه‌حل: به هیچ‌کس نباید اجازه داد با رفتار گناه‌آلودش، گروه را تحت کنترل در آورد. رهبر باید کنترل را در نام عیسی به دست بگیرد و شخص خطاکار را به اتاق دیگری هدایت کند و شخصا به مشکل او رسیدگی کند. گناهانی که در فهرست بالا ذکر شد، باید به هنگام مطالعه کتاب مقدس مورد بررسی قرار گیرد. باید به روشنی تعلیم داده شود که کار نجات‌بخش مسیح بر روی صلیب، پیروزی بر گناه را مهیا

ساخته است.

رهبری که بر گلهٔ خود سروری می‌کند
 (اول پطرس ۵: ۱-۴). روش و سبک رهبری
 خادم در کلیسای خانگی می‌تواند تنش‌زا باشد.
 وقتی رهبر فکر می‌کند که می‌تواند گروه را از
 طریق سلطه‌جویی و تهدید و ارباب‌هدایت کند،
 تنش به وجود خواهد آمد. وقتی هدف رهبر از
 خدمت تبدیل می‌شود به استقرار ملکوت
 شخصی، چنین خدمتی مورد برکت خدا قرار
 نخواهد گرفت و به زودی از هم خواهد پاشید.
راه‌حل: رهبر باید دعا کند تا الگویی را که
 عیسی ارائه فرمود درک کند، الگویی که رهبری
 را خدمتگزاری معرفی می‌کند. چنین رهبری
 باید از این روحیه توبه کند که افراد را به جای
 خدمت کردن، مورد استفاده قرار دهد.

Home Church by Ashton Stewart

This translation is published by the partnership between Jude Project and TALIM ministries. All rights reserved.

Layout setting: The Jude Project

Farsi translation Copyright © 2021 TALIM ministries

Published by Jaaam Publishers

A Division of The Jude Project

P.O Box 532 Ashburn, VA 20146

www.JudeProject.org

Printed in the United States of America

First Printing 2021

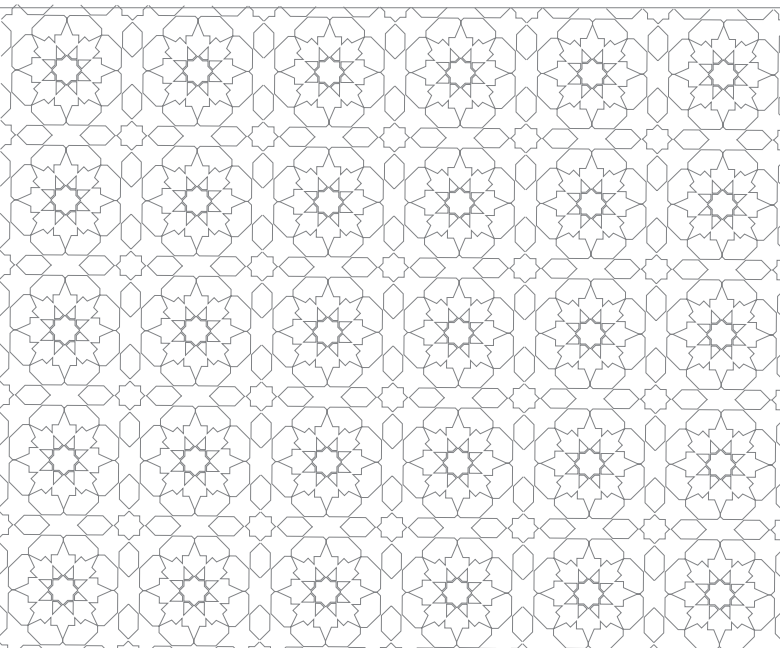
ISBN: 978-1-941693-44-5

Interior & Cover Design: Jude Project

No part of this publication may be reproduced, stored in retrieval system, or transmitted in any form by any means—for example electronic, photocopy, recording—without the prior written permission of the publisher. The only exception is brief quotation in printed reviews.

If you would like more information about the Jude Project
or information about other resources in Farsi, or other
languages, visit www.judeproject.org or email us at:

order@judeproject.org



کشیش تت استیوارت دانش آموخته
الاهیات مسیحی در دانشکده الاهیات
پرینستون و مدیر سازمان تعلیم
است. تت استیوارت کتب دیگری
نیز از جمله «تشخیص دعوت الاهی
برای خدمت» و «تربیت فرزندان» را
به رشته تحریر درآورده است.



المیسیونارات مسیحی
جهان‌آزاد



JUDE PROJECT

مجموعه تعلیم

ISBN 978-1-941693-44-5



9 781941 693445